

## عنایت و آدمیت

نخستین بار از طریق شادروان دکتر «حمید عنایت» با آثار «آدمیت» آشنا شدم که به سالهای دانشجویی چهار دهه پیش برمی‌گردد.<sup>۱</sup> فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت نخستین کتابی بود که دکتر عنایت به عنوان یکی از مآخذ مهم مطالعاتی و امتحانی درس خود «اندیشه‌های سیاسی در ایران» قرار داد. و این سبب شد دانشجویان بسیاری چونان من در سراسر عمر کم‌وبیش، پی‌گیر و جویای نوشتارهای آدمیت باشند. هر چند که جوینده حقیقت و واقعیت در تحلیل نهایی بعضاً با عقاید ابراز شده چندان موافق نباشد اما شیوه نگرش و روش تبیین و تحقیق نو و علمی را نمی‌تواند منکر شود.

نخستین ویژگی کتاب‌های آدمیت در بادی امر، انسجام فکری و صلابت نثر و شیوه تاریخ‌نگاری متفاوت آن نامبردار بود که افق‌های نو و تازه‌ای در مطالعات تاریخی بر خواننده می‌گشود... و دانشجوی تشنه و نوجو، به ناگهان با مورخی روبرو می‌شد که

۱. شادروان دکتر حمید عنایت در اواسط سالهای ۴۰ که به ایران بازگشت تدریس دانشگاهی را آغاز کرد. هر چند در ابتدا، اندیشه‌های سیاسی اسلام، به‌ویژه اوضاع سیاسی صدر اسلام را در چهارچوب و ساعات درس «تاریخ عقاید سیاسی» دکتر محمد رضوی ارائه داد، اما نوآوری و شبیه تدریس جذاب، منطقی و برابر استاد فرزانه سبب شد که یکی دو سال بعد از آن «عنایت» خود دروس مستقل دیگری در زمینه اندیشه‌های سیاسی اسلام، ایران و غرب در کنار پژوهش‌ها و ترجمه‌های دیگر خود بر دانشجویان مشتاق و تشنه حقیقت، ارائه و تدریس نماید.

خواننده را از وادی «تاریخ نقلی» به دنیای خِزْد و «تاریخ عقلی» می‌کشانید و می‌کشید زمینه‌های اندیشه - اجتماع را روشن نماید و تأثیر آنها را در پیدایش و تکوین ایدئولوژی و چگونگی تحقق و یا انحراف ایدئولوژیها در عمل و نیز اسیر در دست سیاست‌سازی و سیاست‌گران را با سنجه خرد و نقد علمی و تعقل به متصه داوری برنشانند و نقش و رابطه اصول و ایدئولوژی را در برخورد با اجتماع «انفعالی» و حلقه سیاستمداران نااهل قدرت طلب و ماهیت شخصی مجریان سیاست، مورد تأمل و ارزیابی قرار دهد.<sup>۱</sup>

به باور آدمیت تاریخ‌نگار به مثابه معمار فکر - نه مدرس افکار - در عین تجزیه و تحلیل وقایع و علت و معلول مبتنی بر ضابطه عقلی، هیچگاه نباید روح و بستر تاریخ را فراموش کند و به هر حال روح و بستر تاریخی از دریچه ضابطه عقلی در همه جا می‌باید راهنمای تاریخ‌نگار، باشد.

آدمیت در سراسر بررسی‌های تاریخی خود هشدار داده است که «تفکر تاریخی» عنصر اصلی تاریخ‌نویسی جدید است. «نقل و گردآوری واقعیات از هر قبیل و تلمبار کردن آنها، به صورت خشکه استخوان در موزه آثار باستانی و گنجاندن کل ریز آن وقایع در متن»، تاریخ نیست، بل دست یازیدن به گذشته زنده و شناخت جریان تاریخ از طریق بصیرت تاریخی مورخ، تاریخ‌نویسی را در مسیر درست قرار می‌دهد. ولی باید با واری و انتقاد و نقد و براساس منابع درست، مورخان خوش فهم و صاحب دانش با مهارت فنی، افسانه‌های آمیخته و آغشته به تاریخ را از تاریخ راستین سواکنند.<sup>۲</sup>

اما در عین حال آدمیت «حُکم تاریخ»<sup>۳</sup> را هم در تاریخ‌نویسی لازم می‌شمارد و معتقد است بدون حُکم ارزش‌ها و اعتبارات زمانی و مکانی، نمی‌توانیم قالب‌های پیش ساخته را بر تحقیقات خود تحمیل کنیم وگرنه ما را به همان جایی می‌کشاند که آدمیت آن را «نهیلیسم تاریخی» می‌نامد و وی سخت از آن بیزار است و باور دارد که حاصل کار تاریخ‌نویسی که معیارهای ارزشی را نفی کند «نه به درد دنیا می‌خورد و نه آخرت».<sup>۴</sup>

کتاب امیرکبیر و ایران که کتابی است بسیار ارزشمند و در نوع خود بی‌نظیر و دیگر کتاب‌های آدمیت بر همین دیدگاه استوار هستند. صلابت نثر، روانی در عین ترکیب واژگان برگرفته شده از متون و منشآت و مکاتبات و ادبیات قاجاری، زمزمه شیرین

۱. فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد دوم، مجلس اول و بحران آزادی، چاپ اول، انتشارات روشنگران، تهران، [۱۳۷۱] صفحه ۱۴. ۲. همان جا.

۳. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزاآقاخان کرمانی، انتشارات پیام، چاپ دوم (۱۳۵۷-تهران)، صفحه‌های ۵ تا ۷.

۴. همان جا، ص ۹.

محبت می‌شود و به مکتب تحقیق می‌کشاند گریز پایان پژوهش را. و بسیار جای تأسف دارد که آدمیت با همه بضاعت و بی‌طرفی علمی، بنا به شرایط زمانه و نیز خود خواسته گوشه عزلت و انزوا برگزید و، گاهی در انزوای خویش بدخلقی، و بعضاً نسبت به برخی افکار به دور از انصاف ناداوری می‌کند و خود حکم می‌شود و بر اساس «یقین باوری» به درستی نظرات خود، «حکم تاریخ» را نادیده گرفته به نفی پاره‌ای از ارزش‌های مبتنی بر واقعیت‌ها، که به زعم وی «حقیقت» نیستند، می‌پردازد هر چند که این هم نقطه ضعف و هم نقطه قوت وی بود. حتی، در مورد دیگر اندیشمندان نیز از دیدگاه خاص خود به قضاوت می‌نشیند. از جمله در مورد «حمید عنایت» کم‌لطفی می‌کند. بدیهی است که آدمیت با عقاید و نظریات و شیوه‌های بسیاری از اندیشمندان معاصر و غیرمعاصر خود موافق نباشد و آن‌ها را نپسندد. در عوض بسیار کسان هستند که با تمام یا قسمتی از نظریات و اندیشه آدمیت موافق نبوده و نیستند. و هر کدام نظر و بضاعت خویش عرضه کند اما این به معنای آن نیست کسی نتواند ابراز نظر کند. نمی‌توان عقاید را - به صرف اختلاف در برداشت یا تضاد تخطئه کرد. و مسلماً یاد کردن از عنایت «خود وی را که مترجم شایسته‌اش»<sup>۱</sup> می‌دانست به عنوان معلم عقاید سیاسی که «در فهم تاریخی و دانش سیاسی اندک مایه بود...»<sup>۲</sup> از مورخ نامداری چون آدمیت بعید بود هر چند که می‌توان آن، را به حساب گرفتاری و تنگناهای زمان گذاشت و گرنه تا آنجا که اینجانب آگاهی دارد و از نزدیک نیز شاهد بوده، عنایت فوق‌العاده برای شیوه علمی آثار آدمیت ارزش قائل بود و در چارچوب باور خود مبنی بر کسب آگاهی و آگاه‌سازی هرچه بیشتر و همه‌جانبه، خواندن آثار و کتابهای فرزانه‌گانی چونان آدمیت را همواره به دانشجویان توصیه می‌کرده است.<sup>۳</sup>

خرده‌نقدها و کم‌لطفی‌ها از شأن و مقام واقعی کسان نمی‌کاهد. داور تاریخ و آیندگان،

۱. بدرغم نوآوری و تسلط عنایت در ترجمه، به‌ویژه برگردان کتاب فلسفه هگل نوشته و.ا. استین، از این نظر هم عنایت در معرض خرده‌نقدها قرار داشت؛ نگاه کنید به پاسخ حفری به استاد منوچهر بزرگمهر در مجله سخن: محمد علی آتش‌برگ «نامه به سردبیر» سخن، دوره نوزدهم، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۴۸، صفحات ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵.

۲. فریدون آدمیت، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، انتشارات دماوند، چاپ دوم، (اردیبهشت ۱۳۶۳ - تهران)، صفحه ۵۲.

۳. اظهار نظر آدمیت مولود سوء تفاهم برداشت از نوشته عنایت در صفحات ۲۸۳ و ۲۸۴ کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر بود که پس از مرگ عنایت و با ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. ناگفته نماند که دکتر محمود عنایت به تفصیل و با احترام پاسخ آدمیت را داده است. نگاه کنید به محمود عنایت، جوابی به عنایت، کتاب به‌نگار به کوشش علی دهباشی، چاپ اول - ۱۳۶۸ انتشارات به‌نگار - صفحات ۲۷۷ و ۲۶۵.

حُکم خود را بی مانع، جامع، خواهند داد.

عنایت رفته بود. عمرش به پنجاه نرسیده در دم به لحظه پرواز در دیار غربت دور از وطن، اوج گرفت و پیران شد و به ابدیت پیوست و به بازدم فرود در جهان خاکی نرسید، هیچگاه.

آدمیت هم در غربت خود در وطن در سنی دوبرابر عنایت، نیز در مفاک خاک آشیان گرفت و خلد مکان شد.

حالاکه اینان خاموش ابدی اند و پاسخ گفتن را نتوان، انصاف نیست که بلیل گویا شده و یک سویه داد سخن را به مثابه استاد مسلم ملک کلام، سر دهیم. پس بهتر آنکه قضاوت را به آیندگان و تاریخ بسپاریم و تأسف رودکی را به زبان امروزیان تکرار کنیم که هر چند از منظر شمار شمارگران تنی کم شده اما از دید خرد هزاران بیش. روحشان شاد. و قدر مسلم تا آدمیت هست «عنایت»ها و «آدمیت»ها مانا خواهند ماند! و مسلماً نسل مورخان و مترجمان بعدی در پرتو رایانه‌ها و اینترنت و ابزار و موتورهای جدید تحقیق، چراغ‌های پر فروغ‌تری بر خواهند افروخت، خورشیدهای تابان‌تر خواهند شد.

### انتشارات اساطیر منتشر کرده است:

- فرهنگ تازی به پارسی / بدیع الزمان فروزانفر / ۳۶۶ ص / ۶۲۰۰ تومان
- نوروزنامه / حکیم عمر خیام نیشابوری / مجتبی مینوی / ۱۲۸ ص / ۲۰۰۰ تومان
- راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق / محمد بن علی بن سلیمان راوندی / محمد اقبال / با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر و مجتبی مینوی / ۵۷۵ ص / ۹۶۰۰ تومان
- وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان / آرتور کریستنسن / مجتبی مینوی / ۲۰۸ ص / ۴۰۰۰ تومان
- التوسل الی الترسل / بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی / احمد بهمینیار / ۳۹۰ ص / ۷۲۰۰ تومان
- انتشارات اساطیر - تهران - میدان فردوسی - اول ایرانشهر - ساختمان ۱۰ - تلفن ۸۸۳۰۰۱۴۸